

احکام ثانویه آرایش و زینت در فقه امامیه

حنا محمود دایا^۱

چکیده

همه انسان‌ها به‌طور فطری دوست‌دار زیبایی هستند. با توجه به مبتلابه بودن مسأله زینت و آرایش، بحث فقهی در این رابطه از اهمیت زیادی برخوردار است و تبیین جایگاه آرایش و زینت در فقه امامیه و احکام آن لازم است. این پژوهش به بیان احکام ثانویه آرایش و زینت و بررسی مصادیق جدید در این زمینه پرداخته است. با بررسی‌های لازم این نتیجه حاصل شد که عناوین متعددی می‌تواند بر آرایش و زینت بیاید و موجب مترتب شدن حکم ثانوی شود، از جمله ضرر، مفسده، اسراف و فریب. حکم مصادیق جدید را می‌توان با توجه به احکام اولیه و ثانویه آرایش و زینت که مطرح شد، استخراج نمود.

واژگان کلیدی: آرایش، زینت، حلیه، فقه امامیه.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی انسان‌ها، که از رایج‌ترین مسائل زندگی بشری نیز هست و از هزاران سال پیش مورد توجه انسان‌ها بوده، مسأله آرایش و زینت است. هدف پژوهش حاضر، ارائه بحثی مفید و قابل استفاده برای همگان، به‌ویژه برای قشر محققان و مبلغان است که در آن احکام آرایش و زینت به‌صورت منظم و منسجم بررسی شده است و علاوه بر آن، مصادیق جدید عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی احکام آرایش و زینت مشترک بین مردان و زنان و برخی احکام اختصاص به مردان داشته و بعضی احکام ویژه زنان است. احکام مشترک آرایش و زینت عبارتند از: اباحه، که اصل در آرایش و زینت است؛ حرمت آن در حال احرام و حرمت پوشیدن لباس‌ها و زینت‌های جنس مخالف و تشبیه به کفار؛ استحباب، که در همه حالات است، به‌ویژه در نماز، برای همسر و برای دیدار با مؤمنان؛ و کراهت پوشیدن لباس یا انگشتری که نقش صورت دارد در نماز.

احکام ویژه مردان شامل حرمت پوشیدن ابریشم و طلا است. و احکام ویژه زنان عبارت‌اند از:

۱. دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد اصول و فقه اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفی العالمیه، از کشور تانزانیا.

و جوب آراستگی برای شوهر در صورت تقاضای او؛ حرمت آراستگی در عده وفات و حرمت اظهار آرایش و زینت در مقابل نامحرم؛ و استحباب آرایش زن برای شوهر در طلاق رجعی. احکام ثانویه آرایش و زینت که به آن پرداخته شده شامل موارد متعددی است از جمله: ضرر، اسراف و فریب. آرایش در لغت، اسم مصدر آراستن است و در اصل، زینت به افزایش است در مقابل پیراستن. (معین، ۱۳۸۶، ۳۱/۱) (همچنین به معنی «زیور، جمال، زین، زبرج، حلیه...» نیز آمده است). دهخدا، ۱۳۷۲، ۶۲/۱) (آرایش در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن به کار می‌رود و معنای متفاوتی ندارد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶.ه.ق، ۱۱۳/۱)

واژه «زینت» در لغت از ماده «زین» می‌آید که مقابل زشتی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰.ه.ق، ۳۸۷/۷) این کلمه و مشتقات آن در قرآن کریم نیز به کار برده شده است. برای مثال در سوره اعراف آیه ۳۲ آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ؛ بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده است؟».

همچنین در سوره صافات آیه ۶ می‌خوانیم: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ ما آسمان دنیا را با زیور ستارگان آراستیم». زینت در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن است و تعریف متفاوتی برای آن داده نشده است.

حلیه در لغت واژه‌ای است که بر زیورآلات اطلاق می‌شود. در لسان‌العرب آمده است: «آنچه که از مواد معدنی یا سنگ ساخته شده و برای آراستگی استعمال می‌شود و جمع آن جلی و جلی است». (ابن منظور، ۱۴۱۴.ه.ق، ۱۴/۱۹۴-۱۹۵) حلیه در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن است و تعریف متفاوتی برای آن داده نشده است.

۲. عناوین ثانوی

برخی موارد آرایش و زینت دارای عنوان ثانوی می‌شود و در نتیجه، یک حکم ثانوی بر آن مترتب می‌شود.

۲-۱. ضرر

یکی از عناوینی که ممکن است بر موضوع آرایش و زینت وارد شود و موجب حرمت آن شود، عنوان ضرر است؛ زیرا مشهور فقها می‌فرمایند که ضرر رساندن به خود حرام است. بلکه صاحب ریاض بر آن ادعای اجماع کرده است. «پس هرگاه آرایش و زینت ضرر مهمی دربرداشت، حرام خواهد بود». (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸.ه.ق، ۱۳/۴۳۷)

شیخ انصاری می‌فرماید: «پس هر ضرر رساندنی به خود یا دیگری حرام است» (انصاری دزفولی، بی‌تا،

۵۳۵/۲) پس ضرر رساندن به خود جایز نیست، بلکه دفع ضرر از خود نیز واجب است. و در مسأله آرایش و زینت نیز این بحث کاربرد زیادی دارد چون در مصادیق متعددی از آن ضرر وجود دارد. پس طبق فرموده فقها، در مواردی که آرایش و زینت موجب ضرر قابل توجهی می‌شود، حرام خواهد بود. آیت‌الله خویی، (۱۴۱۸.ق) گفته است: «ضرر قابل توجه عبارت است از: امری که وقوع آن، قابل چشم‌پوشی نیست، مانند هلاکت نفس یا بیماری که منجر به هلاکت نفس شود» (موسوی خویی، ۱۴۱۸.ق، ۴۴۶/۲).

برای مثال، در مورد خال کوبی، که مستلزم ضرر است، از آیت‌الله مکارم شیرازی سؤال شد: خال کوبی چه حکمی دارد و آیا برای غسل و وضو مشکلی ایجاد می‌کند؟

پاسخ ایشان چنین بود: «هرگاه ضرر خاصی برای بدن نداشته باشد و عکس‌های موجب فساد اخلاق در آن نباشد جایز است و در هر حال برای وضو و غسل مشکلی ایجاد نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۱/۳۶) ادله اربعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) همه بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارند یا حداقل آن را تأیید می‌کنند:

الف) قرآن: آیات متعددی در این مورد وجود دارد، از جمله آیاتی که بر جواز خوردن میتة برای مضطر دلالت دارند، مثل آیه ۱۷۳ سوره بقره؛ چون مؤید آن است که دفع ضرر از نفس لازم است. و البته اگر دفع ضرر واجب باشد به طریقه اولی رساندن ضرر به خود حرام خواهد بود.

ب) سنت: روایات بسیاری بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارند. از جمله روایت مشهور «لا ضرر ولا ضرار» (کلینی، ۱۴۲۹.ق، ۵/۲۹۳) ضرر و زیان جایز نیست. ملاک حرمت، اگر رسیدن ضرر به بدن و آسیب آن باشد، پس در مواردی که آرایش و زینت هم مستلزم ضرر باشند موجب حرام خواهد بود.

ج) عقل: به دو صورت می‌توان حرمت اضرار به نفس را از طریق عقلی استنباط کرد. نخست، چون ضرر رساندن نوعی ظلم است و ظلم قبیح است، پس ضرر رساندن به خود، عقلاً و شرعاً حرام خواهد بود؛ زیرا هرچه عقل به آن حکم کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند. ثانیاً، عقل به صورت مستقل به لزوم دفع ضرر از نفس حکم می‌کند. پس تحمل ضرر هم عقلاً و شرعاً ممنوع خواهد بود.

د) اجماع: بر حرمت اضرار به نفس ادعای اجماع شده است. اگرچه این قول بعید نباشد، اما این اجماع مدرکی است با توجه به ادله نقلی و عقلی به عنوان دلیل حساب نمی‌شود، ولی در عین حال مؤید خوبی بر این حکم است؛ زیرا حداقل از شهرت عظیم و بی‌نظیری خبر می‌کند که موجب می‌شود فقیه نتواند به آسانی از آن بگذرد. نتیجه اینکه از این ادله استفاده می‌شود که ضرر

رساندن به خود حرام است و هر چیزی که ضرری باشد، از جمله آرایش و زینت، حرام خواهد بود.

۲-۲. مفسده

یکی از عناوینی که ممکن است بر آرایش و زینتی که مباح است وارد شود و موجب حرمت آن بشود، عنوان مفسده است. مفسده در لغت به معنای خلاف مصلحت است و وقتی می‌گویند: «این امر مفسده است برای فلان چیز، یعنی اینکه در آن فساد و تباهی است». (۵۱۴۱۴، ق، ابن منظور، ۳/۳۳۵)

وجود مفسده در چیزی، به نظر فقها و اصولیون، موجب ترتب حکم حرمت یا حداقل کراهت بر آن می‌شود، بسته به درجه شدت مفسده دارد و مسائلی مانند آرایش و زینت که در اصل مباح است، اگر موجب مفسده و گناه شود، به نظر فقها این مسائل دارای اشکال خواهند بود. وجود مفسده شامل اسراف و ضرر نیز می‌شود.

از آیت‌الله تبریزی در مورد پوشیدن کفش صدا دار برای خانم‌ها در معرض نامحرمین سؤال شد. ایشان فرمودند: اگر مفسده‌ای بر آن مترتب شود، جایز نیست. (تبریزی، بی‌تا، ۴۱۹/۵) و ظاهراً منظور از مفسده این‌جا تحریک شهوت و مانند آن است.

از آیت‌الله مکارم شیرازی سؤال شد که پوشیدن لباس‌های مبتذل، یا لباس‌های تنگ و مهیج، یا مدل‌هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، به ویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟ ایشان پاسخ دادند: «این‌گونه لباس‌ها اشکال دارد و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنها است، بنمایند». (مکارم شیرازی، ۵۱۴۲۸، ق، ص ۱۸۳)

از آیت‌الله خامنه‌ای سؤال شد: پوشیدن کروات چه حکمی دارد؟

ایشان پاسخ دادند: «به طور کلی پوشیدن کروات و دیگر لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شوند به طوری که پوشیدن آنها منجر به ترویج فرهنگ منحط غربی شود جایز نیست». (خامنه‌ای، ۵۱۴۲۴، ق، ص ۳۰۷)

از آیت‌الله بهجت سؤال شد که پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای مردان در جامعه، بدون قصد شهوانی و برای زیبایی بیشتر یا به علت گرمای هوا چه حکمی دارد؟

پاسخ: «در مواردی که معرضیت برای مفسده دارد، اشکال دارد». (بهجت فومنی گیلانی، ۵۱۴۲۸، ق، ۱۸۴/۴) و این نوع فتاوا زیاد است که فقها، آرایش و نوع پوشش و غیره را به دلیل اینکه موجب مفسده است دارای اشکال می‌دانند.

مستندات: همچنان که در کتب اصولی مطرح شده است، احکام شرعی بر اساس مصلحت و

مفسده جعل شده‌اند، یعنی احکام تابع مصالح و مفاسد هستند و فعلی که دارای مصلحت زیاد باشد واجب و فعلی که دارای مفسده زیاد باشد حرام خواهد بود. (صدر، ۱۴۳۱ ه. ق، ص ۱۰)

این مسأله در همه زمینه‌ها وجود دارد، از جمله در بحث آرایش و زینت که اگر آرایشی که در اصل مباح و جایز بوده دارای مفسده شدید شود، ملاک حرمت در آن موجود شده و حکم حرمت بر آن بار می‌شود. از جمله مفاسدی که ممکن است آرایش و زینت داشته باشد تحریک شهوت غیرمشروع و ترویج فرهنگ کفار است.

۲-۳. اسراف

اسراف در لغت به معنای تجاوز کردن از حد اعتدال و راه درست است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ۱۴۸/۹) و در اصطلاح فقها نیز به معنای تجاوز کردن و خارج شدن از حد اعتدال از نظر شرعی و عقلایی در مال و افعال است. از بارزترین مصادیق آن مصرف مال در موارد حرام و زیاده‌روی در مصرف به طوری که عبث و خالی از غرض عقلایی شمرده شود و شامل مصرف کردن بیش از شأن شخص نیز می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه. ق، ۱/۵۳۴)

فقها می‌فرمایند که اسراف حرام است و از گناهان کبیره است. (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۴۰۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ه. ق، ص ۲۹) پس اموری مثل مهمانی دادن، غذا خوردن، خرید، پوشش، آرایش، زینت و...، اگرچه فی‌نفسه حرام نباشد، ولی در صورتی که در آن زیاده‌روی شود به حدی که عقلاً آن را خارج از حد اعتدال و عبث حساب کنند اسراف خواهد بود و انجام آن حرام. این در حالی است که حکم اولی این امور ممکن است جواز، استحباب و یا حتی وجوب بوده باشد، اما با وارد شدن عنوان ثانوی اسراف، حکم ثانوی حرمت بر آنها مترتب می‌شود و این مسئله در بحث آرایش و زینت خیلی کاربرد دارد، به‌ویژه برای زنان. چون زنان به‌طور ذاتی علاقمند به آرایش هستند و این جزئی از زندگی آنهاست.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در رابطه با زینت کردن زن با طلا و ابریشم می‌فرماید: «زینت جزئی از زندگانی زنان است. به همین دلیل اسلام اجازه استفاده از زینت حتی طلا و لباس ابریشمی (در حد معقول و دور از اسراف) را به آنها داده است». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۰۶)

و در مورد پوشیدن لباس طلا باف، با توجه به اینکه ممکن است پوشیدن آن به‌نظر بسیاری از افراد زیاده‌روی و خروج از حد اعتدال شمرده شود، می‌فرمایند: «نماز خواندن با لباس طلا بافت برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می‌کند، ولی برای زنان، در صورتی که اسراف نباشد، اشکالی ندارد». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۰۵) خرید لوازم آرایشی با وجود لوازم آرایشی نزد شخص و عدم نیاز او به

خرید لوازم جدید می‌تواند از دیگر مصادیق اسراف در آرایش و زینت باشد.
مستندات: دلایل حرمت اسراف عبارت‌اند از اجماع قطعی، بلکه حرمت آن از ضروریات دین

است (نراقی، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۶۱۵). همچنین آیات و روایات متعدد:
الف) آیه ۳۱ سوره أعراف: «كلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين؛ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد». در این آیه خداوند از اسراف نهی می‌کند و لام نهی در «لا تسرفوا» ظاهر در حرمت است. پس این آیه بر حرمت اسراف دلالت دارد.

آیه ۴۳ سوره غافر: «وأن المسرفین هم اصحاب النار؛ و مسرفان اهل آتش‌اند». از این آیه می‌توان فهمید که اسراف از گناهان کبیره است چون بر آن وعده آتش داده شده است و به نظر بعضی از فقها، گناهی که وعده آتش بر آن داده شده باشد، کبیره است. (سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۶/۱۲۳)
 روایت عامربن جذاعة از امام صادق ع که به مردی فرمودند:

اتق الله ولا تسرف ولا تقت، ولكن بين ذلك قواما، إن التبذير من الإسراف، قال الله تعالى:
 «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا».

تقوای الهی پیشه کن، اسراف نکن و بر خود هم سخت مگیر و میانه‌روی مایه استواری است، تبذیر همان اسراف است که خداوند درباره آن فرموده: «تبذیر و زیاده‌روی نکن» (اسراء: ۲۹). (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۳/۵۰۱)

پس در حرمت اسراف شکی نیست و هر چیزی که در آن از نظر شرعی و عقلایی زیاده‌روی شود، از جمله آرایش و زینت، حرام خواهد بود.

۲-۴. فریب

آرایش زن به منظور فریب دادن خواستگار حرام است، این حکم بدون اختلاف بین فقها است (انصاری دزفولی، بی‌تا، ۱/۱۶۵) و محقق اردبیلی حتی ادعای اجماع هم بر آن کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۸/۸۴).

فریب دادن در این جا به معنای آشکار کردن زیبایی‌ها و محاسنی است که در زن وجود ندارد، مانند اینکه گونه‌هایش را به رنگ قرمزی در بیاورد. عاملی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ ه.ق، ۳/۲۱۶) و در حرمت فرقی نمی‌کند که زن خودش این کار را انجام دهد یا توسط آرایشگری انجام شود. (انصاری دزفولی، بی‌تا، ۱/۱۶۵)

به نظر شیخ انصاری، اگر خواستگار بداند که این زیبایی، ذاتی این زن نیست، باز هم فریب حساب می‌شود در صورتی که به خاطر آن زینت به ازدواج با این زن مایل تر شود. (انصاری دزفولی، بی‌تا، ص ۱۷۰)

مستندات: دلیل حرمت آرایش در صورت فریب عبارت است از:

(الف) اجماع (اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۸/۸۴)

اینکه آرایش در این جا دارای عنوان ثانوی «غش» و فریب شده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ق، ۱۸/۱۹۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۸/۸۴) که طبق روایات معصومین علیهم السلام حرام است. (نجفی، بی تا، ۲۲/۱۱۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ق، ۸/۸۴)

پس آرایش و زینتی که در اصل مباح بوده، وقتی برای فریب خواستگار انجام شود چون دارای عنوان جدیدی به نام «غش» و فریب می شود، دارای حکم جدیدی نیز می شود و آن حرمت است. فقها در حرمت غش اختلاف ندارند و روایات وارده در این باب به حد تواتر می رسد (انصاری دزفولی، بی تا، ۱/۲۷۵).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمْرِيَا فُلَانٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند به مردی که خرما می فروخت: ای فلانی، آیا نمی دانی که از مسلمانان نیست کسی که آنها را فریب دهد». (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۵/۱۶۰)

امام رضا علیه السلام از پدران شان نقل می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ صَرَّهُ أَوْ مَآكِرُهُ؛ از ما نیست کسی که مسلمانی را فریب دهد یا ضرری به او برساند یا علیه او مکر و حيله کند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۱۷/۲۸۴)

۲-۵. شهرت

لباس و پوششی که موجب شهرت پوشنده شود، به نظر عده ای از فقها مثل آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی، پوشیدن آن حرام است. به این معنا که جایز نیست شخص لباسی را بپوشد که در شأنش نیست و موجب شهرت او بین مردم شود (هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ۱/۴۶۷) و حرمت آن از جهت خود لباس نیست بلکه از آن جهت حرام است که موجب شهرت او می شود. بعضی از فقها لباس شهرت را لباسی می دانند که خلاف شأن شخص باشد، چه آنکه موجب شهرت او می شود یا نه.

صاحب عروه لباس شهرت را به صورت زیر تعریف می کند: «لباسی است که از جهت جنس پارچه یا رنگش، یا ترکیب یا بریدن و دوختش، خلاف شأن و زئی شخص پوشنده باشد، مانند اینکه اهل علم لباس نظامی بپوشد یا به عکس». (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ق، ۲/۳۵۱)

آیت الله اراکی، امام خمینی رحمتهما الله و آیت الله بهجت نیز تعاریفی مشابه ذکر کردند. (اراکي، ۱۴۱۴، ق، ۱/۱۵۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ق، ۱۸۷؛ فومنی گیلانی، ۱۴۲۸، ق، ص ۱۴۱) و

این فقها پوشیدن لباس شهرت را حرام می‌دانند.

بنابراین، طبق نظر آنها، خود عنوان شهرت موجب حکم حرمت نمی‌شود و لباسی که در شأن شخص نیست حتی اگر موجب شهرت و انگشت‌نما شدن او نشود، باز هم حرام خواهد بود. اما بسیاری از فقها به حرمت لباس شهرت قائل هستند، لیکن لباسی که صرفاً غیرمتعارف باشد یا موجب شهرت بین مردم شود را لباس شهرت نمی‌دانند و در تعریف لباس شهرت قیده‌های دیگر مانند زننده بودن (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۶ ه. ق، ص ۱۴۳)، موجب اذلال نفس بودن (تبریزی، استفتانات جدید، ۴۸۰/۲)، موجب هتک حرمت (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ه. ق، ۱/ ۴۶۶-۴۶۷) و جنبه ریاکاری داشتن (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۵۰) را آورده‌اند. و لباس شهرت را از این جهت حرام می‌دانند. ظاهراً لباس شهرت شامل آرایش و زینت شخص نیز می‌شود، مانند اینکه شخص موهای خود را به رنگ‌های غیرمتعارف رنگ کند و این موجب شهرت یا حتک حرمت او شود.

مستندات: مستند حرمت لباسی که موجب شهرت باشد، روایاتی است که از شهرت نهی می‌کند و چند دسته‌اند:

دسته اول: روایاتی که از شهرت در لباس نهی می‌کند مثل صحیحیحه ابی‌ایوب از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ شَهْرَةَ اللَّبَاسِ؛ خداوند از لباس شهرت تنفر دارد». (بنی‌فضل، بی‌تا، ص ۲۴-۲۵) روایت ابی‌سعید از امام حسین علیه السلام که فرمودند: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ سَبْحَانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ؛ هر کس لباسی بپوشد که موجب شهرت وی می‌شود، خداوند در روز قیامت لباسی از آتش را بر او می‌پوشاند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۲۴/۵) با این استدلال که اگر لباس شهرت حرام نبود، نه مورد نفرت و بغض خداوند و نه موجب استحقاق آتش جهنم بود همچنان که در روایات آمده. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۲۰۶)

دسته دوم: روایاتی که هم از لباس شهرت و هم از مرکبی که موجب شهرت شخص شود نهی می‌کند، مثل روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «كُنْفِي بِالْمَرْءِ خُزْيَانًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ - أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ؛ برای مرد از جهت ننگ کافی است که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که موجب شهرتش شود». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۲۴/۵)

دسته سوم: روایاتی که از شهرت به‌طور کلی نهی می‌کنند مثل روایت امام صادق علیه السلام: «الشَّهْرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا فِي النَّارِ؛ شهرت خیر و شرش در آتش است». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۲۴/۵) با توجه به این دسته اخیر از روایات که به‌طور مطلق از شهرت منع می‌کند، می‌توان استفاده کرد که ذکر لباس و مرکب در روایات دو دسته اول از باب مثال بوده، و حکم منحصر در این آنها نیست بلکه شامل هر چیزی می‌شود که موجب شهرت شخص شود، از جمله آرایش و زینت،

خانه و وسایل شخص، رفتارهای او و غیره.

فقهایی که می‌فرمایند لباس شهرت لباسی است که خلاف شأن شخص باشد و آن را حرام می‌دانند به همین ادله تمسک جسته‌اند، اما با توجه به اینکه در این ادله عنوان شهرت مطرح شده است، خیلی درست به نظر نمی‌رسد که آن را حمل بکنیم بر هر لباسی که در شأن شخص نباشد. آیت‌الله خوئی در نقد نظر صاحب عروه می‌فرماید که ظاهر روایات، حرمت پوشیدن آن چیزی است که موجب شهرت شخص پوشنده و انگشت‌نما شدن او بین مردم شود، مانند اینکه عمامه قرمزی بر سر بگذارد، اما صرف پوشیدن چیزی که خلاف شأن شخص است، مستلزم شهرت نیست، مانند اینکه اگر عالمی لباس نظامی بپوشد و داخل شهر غریبی شود این موجب شهرت او نمی‌شود، اما اگر عمامه قرمزی بپوشد هر جا باشد انگشت‌نما و مورد شهرت می‌شود. پس این دو مسئله با هم تفاوت دارند و روایات به معنای دومی (شهرت) اشاره دارند و برخی از آنها شامل هر چیزی می‌شود که موجب شهرت باشد از لباس و مرکب و غیره. (موسوی خوئی، ۱۴۱۶ه.ق، ۱۲/۳۸۹-۳۹۰) و لباس شهرت به معنای اول (تعریف صاحب عروه) هیچ دلیلی بر حرمت آن نیست.

آن دسته از فقهایی که قیده‌های دیگر مثل موجب اذلال نفس بودن را در تعریف لباس شهرت آورده‌اند، ظاهراً به خاطر همین پوشیدن لباس شهرت را حرام می‌دانند، یعنی چون اذلال نفس حرام است، لباسی که موجب اذلال نفس شود را نیز به همین دلیل حرام می‌دانند، نه به خاطر آنکه فقط موجب شهرت باشد.

فتوای آیت‌الله سیستانی: «پوشیدن لباس شهرت حرام است و آن لباسی است که موجب پستی و قباحت مؤمن بین مردم شود، به خاطر حرمت ذلیل کردن مؤمن خودش را» (حسینی سیستانی، ۱۴۲۲ه.ق، ص ۱۲۸) مؤید این است. نتیجه اینکه، در رابطه با لباس شهرت بین فقها سه نظر وجود دارد، نظر اول حرمت پوشیدن لباسی است که خلاف شأن شخص باشد و موجب شهرت او بشود، نظر دوم حرمت پوشیدن لباسی است که خلاف شأن شخص باشد چه آنکه موجب شهرت او بشود یا نشود، و نظر سوم جواز پوشیدن لباس غیرمتعارف و خلاف شأن شخص است حتی اگر موجب شهرت باشد، مادمی که عنوان دیگری مثل اذلال نفس بر آن وارد نشود.

۳. مصادیق آرایش و زینت در عصر حاضر

در طول تاریخ آراستگی ظاهری مورد توجه همگان بوده، اما در قرن بیستم بود که حوزه آرایش و زینت شاهد تحولی عظیم و رشد بی‌سابقه‌ای بوده و طبقات مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داد. و رشد کمی و کیفی این حوزه همچنان ادامه دارد، نه فقط انواع و اقسام جدید لوازم آرایشی روز به

روز تولید می شود، بلکه جراحی های زیبایی نیز در سراسر دنیا گسترش پیدا کرده و مورد استقبال مردم جوامع مختلف قرار گرفته است.

۱-۳. جراحی زیبایی

این جراحی ها به اعمال جراحی پزشکی گفته می شود که برای تغییر و زیباسازی یا رفع آسیب های ظاهری بخشی از صورت یا بدن انجام می شود. این جراحی ها شامل جراحی پلاستیک، لیزر، لیپوساکشن، تزریق چربی و غیره می شود و به طور کلی می توان جراحی زیبایی را به شاخه های زیر تقسیم کرد: زیبایی صورت، زیبایی غبغب و گردن، زیبایی سینه، زیبایی شکم و زیبایی بازوها و ران ها. در مورد حکم جراحی اعضا به قصد زیبایی، مراجع عظام می فرمایند که این کار فی نفسه مانعی ندارد مگر اینکه مستلزم فعل حرامی مثل لمس و نظر نامحرم باشد. (موسوی گلپایگانی، ۱۳۸۹؛ ق. ۱/۴۴۱؛ حسینی ۱۴۲۰؛ ق. ۲/۴۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷؛ ق. ۱/۴۴۱؛ حسینی ۱۴۲۰؛ ق. ۲/۳۷)

آیت الله گلپایگانی در این رابطه می فرماید: «اگر غرض عقلایی دارد، اشکالی ندارد». البته، این نوع اعمال که فی نفسه جایز هستند، در صورتی که دارای عنوان ثانوی مانند ضرر بشوند، ممکن است حرام شوند. از مراجع سؤال شد که حکم جراحی صورت به قصد زیبایی در صورت احتمال ضرر چیست؟ این گونه پاسخ گفتند: (واحد پاسخ به سؤالات جامعة الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹).

آیت الله بهجت: جایز نیست.

آیت الله خامنه ای: اگر ضرر قابل توجهی داشته باشد، جایز نیست.

آیت الله سیستانی: اگر خوف ضرر مهم باشد، جایز نیست.

آیت الله صافی گلپایگانی: جراحی صورت چنانچه ضرر معتدبه نداشته باشد، بلامانع است.

آیت الله فاضل لنکرانی: اگر احتمال ضرر معتد به عقلایی باشد یا مستلزم کار حرامی باشد، جایز نیست.

آیت الله نوری همدانی: اگر احتمال قابل توجه باشد، جایز نیست.

آیت الله وحید خراسانی: اگر ترس ضرر مهمی باشد، جایز نیست.

پس جراحی زیبایی، از قبیل جراحی پلاستیک، لیپوساکشن، لیزر و غیره در صورتی که ضرر مهمی داشته باشد به فرموده همه فقها انجام آن جایز نخواهد بود، نه از آن جهت که فی نفسه مانعی دارد، بلکه به خاطر دارا شدن عنوان ضرر.

مسئله دیگری که در این رابطه قابل توجه است، حکم جراحی صورت زن است. با توجه به اینکه بسیاری از فقها پوشاندن صورت در مقابل نامحرم را برای زنان واجب نمی دانند، باید بررسی شود که آیا حکم آن بعد از انجام جراحی زیبایی متفاوت می شود یا نه. در این رابطه بین

فقها چند نظر وجود دارد.

اول: صورت بعد از انجام جراحی زیبایی زینت حساب می شود و باید پوشانده شود. (بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۹۶)

دوم: صورت بعد از انجام جراحی زیبایی زینت حساب نمی شود، از این رو، از این رو، پوشاندن آن لازم نیست. (آیت الله نوری همدانی، آیت الله سیستانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا ع.ا.ع.، ۱۳۸۹)

سوم: اگر صورت بعد از انجام جراحی زیبایی عرفاً زینت حساب شود باید پوشانده شود. (آیت الله لنکرانی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله خامنه ای، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا ع.ا.ع.، ۱۳۸۹)

نتیجه اینکه انجام جراحی زیبایی به نظر فقها فی نفسه جایز است، اما در صورت مترتب شدن عنوانی ثانوی مثل ضرر، حکم حرمت بر آن بار می شود و عناوین دیگر مانند اسراف و غیره نیز ممکن است بر آن مترتب شود، مانند اینکه زنی زیبا صورت خود را جراحی کند که انجام این کار اگر به نظر عقلا عبث و خالی از غرض باشد، اسراف و حرام خواهد بود. همچنین، اگر این گونه جراحی ها باعث زیباتر شدن مواضعی از بدن مثل صورت، که پوشاندن آنها لازم نیست، شود به طوری که زینت حساب شود، به نظر فقها پوشاندن آن در برابر نامحرم واجب می شود.

۲-۳. کاشت مژه و ناخن

واضح است که این امور اگر زینت محسوب شود پوشاندن آن جلوی نامحرم برای بانوان واجب است و اگر ناخن کاشته شده و امثال آن مانع از رسیدن آب به بدن باشد و برای مدتی قابل برداشتن هم نباشد، طوری که شخص برای وضو و غسل نتواند آن را در بیاورد یا این کار برای او حرج داشته باشد، انجام این نوع آرایش، هم برای آرایش شونده و هم برای آرایشگر جایز نیست. (آیت الله سیستانی، وحید خراسانی، آیت الله نوری همدانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله بهجت، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا ع.ا.ع.، ۱۳۸۹)

و برخی از فقها حتی تصریح کرده اند که اجرتی که آرایشگر برای انجام این کار می گیرد اشکال دارد. (آیت الله نوری همدانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا ع.ا.ع.، ۱۳۸۹)

۳-۳. خال کوبی (تاتو)

خال کوبی به عمل ایجاد نقوش دائمی یا با ماندگاری طولانی بر پوست گفته می شود. برای ایجاد این نقوش، پوست را با سوزن سوراخ می کنند و داخل آن رنگ یا جوهر تزریق می کنند و چون

معمولاً رنگ و جوهر را به لایه میانی پوست (درم) تزریق می‌کنند نه لایه‌های خارجی، از ماندگاری زیادی برخوردار است. از آن جا که این رنگ و جوهر داخل پوست است نه روی پوست، برای غسل و وضو مانعی ایجاد نمی‌کند و از این جهت مشکل شرعی ندارد، همچنان که بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/۱۸۳؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۲۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱؛ تبریزی، استفتاءات جدید، ۴۷/۱) اما ممکن است از جهات دیگر دارای اشکال شرعی باشد.

اول: زینت بودن این نوع آرایش و وجوب پوشاندن آن در مقابل نامحرم است. برخی از فقها فقط آرایش تند و مفسده‌انگیز را حرام می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۱۸۸) در حالی که به نظر عده‌ای، خال کوبی چون آرایش حساب می‌شود باید پوشانده شود.

دوم: ضرر داشتن خال کوبی است. این مثل بحثی است که در رابطه با جراحی زیبایی بیان کردیم؛ خال کوبی هم اگر ضرر مهمی داشته باشد در نظر فقها حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱)

سوم: مفسده داشتن خال کوبی است. اگر خال کوبی مفسده‌ای داشته باشد، مانند خال کوبی عکس‌های موجب فساد اخلاق، انجام این کار جایز نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱) بنابراین، خال کوبی و تاتو اگرچه از جهت مانع بودن مشکلی نداشته باشد، اما اگر ضرر قابل توجهی و یا مفسده داشته باشد انجام آن جایز نخواهد بود و در صورتی که زینت حساب شود زن باید آن را در مقابل نامحرم پوشاند، مگر اینکه زینت متعارف و عادی حساب شود که در این صورت به نظر برخی از مراجع پوشاندن آن واجب نخواهد بود.

۳-۱-۳. خال کوبی آیات قرآن، اسماء جلاله و اسماء ائمه

در مورد نجس کردن یا دست کشیدن بر اسامی مقدس و آیات قرآنی که بر بدن خال کوبی شده بین فقها چند نظر وجود دارد:

اول آن است که خال کوبی اسامی ائمه علیهم‌السلام و نجس نمودن یا دست کشیدن بدون طهارت بر آنها، اشکال دارد. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/۸۴)

دوم آن است که فقط با فرض صدق مس، مس آن بدون طهارت جایز نیست. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱/۲۷)

سوم آنکه در صورتی که ماده‌ای که با آن خال کوبی می‌شود زیر پوست است، مس آن قسمت بدون وضو مانعی ندارد، و بعد از جنابت و حدث لازم نیست فوراً غسل کنند یا وضو بگیرند. (تبریزی، استفتاءات جدید، بی تا، ۱/۴۴۰)

البته، اگر تاتو بر روی پوست باشد، مثل برخی از تاتوهای موقت که روی پوست قرار می‌گیرند و دارای جرم هستند، روشن است که هم باید برای وضو و غسل برطرف شود و هم مس آن بدون طهارت جایز نیست. بنابراین، قبل از جنب شدن باید برطرف شود. (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۶ه.ق، ص ۶۳)

نتیجه اینکه خال کوبی اسامی ائمه، خدا، و آیات قرآن اگر زیر پوست باشد به نظر برخی از مراجع مس آن مشروط به طهارت نیست، اما به نظر دیگران مشروط به طهارت هست و نجس کردن آن نیز اشکال دارد، و به نظر عده ای از مراجع، اگر مس آن قسمت صدق مس اسم محترم نکند، طهارت لازم نیست. و البته، تاتوهای موقت که روی پوست قرار می‌گیرند و جرم دارند، علاوه بر لزوم برطرف کردن آنها برای وضو و غسل بر فرض مانعیت، و احکامی که از جهت زینت بودن یا مفسده داشتن که ممکن است بر آن مترتب شود، از آن جهت که روی پوست است مس آن نیز نیازمند طهارت خواهد بود.

۳-۴. موی مصنوعی

یکی از مصادیق آرایش و زینت که در زمان‌های مختلف مورد استفاده بوده و امروزه نیز خیلی رایج است، موی مصنوعی است. این نوع آرایش اگرچه در اصل جایز است، اما دو مسأله‌ای که برای بانوان در رابطه با آن قابل توجه است عبارت است از: حکم نمایان بودن آن در نماز، و حکم نمایان بودن آن در مقابل نامحرم.

در مورد حکم نمایان بودن موی مصنوعی در نماز، بعضی از مراجع می‌فرمایند که اگر موی مصنوعی عرفاً موی او محسوب می‌شود، پوشاندن آن در نماز لازم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)، اما نظر بیشتر مراجع این است که پوشاندن موی مصنوعی در نماز لازم نیست. (آیت‌الله بهجت، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله فاضل لنگرانی، آیت‌الله نوری همدانی؛ واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹) و در مورد پوشاندن آن در مقابل نامحرم، برخی از مراجع آن را به فتوا یا احتیاط واجب می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله فاضل لنگرانی، آیت‌الله نوری همدانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹).

در حالی که عده‌ای از آنها فقط در صورتی که عرفاً زینت حساب شود یا موجب تحریک شهوت نامحرم شود، پوشاندن آن را لازم می‌دانند. (آیت‌الله بهجت، آیت‌الله صافی گلپایگانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)

۳-۵. لنز رنگی

لنز تماسی (contact lens) یا عدسک، یک عدسی نازک پلاستیکی است که روی قرنیه چشم قرار می‌گیرد. لنز تماسی می‌تواند صرفاً جنبه زیبایی (تغییر رنگ عنبیه چشم) داشته باشد یا جنبه پزشکی (مانند درمان عیوب انکساری چشم با لنز تماسی). با توجه به اینکه استفاده صحیح از لنز تماسی معمولاً موجب ضرر خاصی به شخص نمی‌شود، به نظر می‌رسد که مسئله‌ای که در این زمینه بیشتر مورد ابتلا است، حکم اظهار آن در مقابل نامحرم توسط بانوان است. فقها در این باره می‌فرمایند که اگر لنز رنگی عرفاً زینت حساب شود و جلب توجه کند، باید در مقابل نامحرم پوشانده شود. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۴/۲۰۶)

از آیت الله بهجت سؤال شد: آیا استفاده از لنز رنگی، برای تغییر رنگ چشم جهت بانوان حکم زینت دارد که باید از نامحرم پوشانده شود؟
در جواب فرمودند: اگر جلب نظر کند، باید پوشانده شود و صدق زینت، عرفی است. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۴/۲۰۶)

از آیت الله سیستانی سؤال شد: در کشورهای غربی متداول شده که لنزهای رنگی بر چشم می‌چسبانند آیا چنین کاری به قصد آرایش و آرایش کردن در برابر انظار نامحرم جایز است؟
در جواب فرمودند: اگر زینت شمرده شود، جایز نیست. (سیستانی، ۱۴۲۲ ه.ق)

۳-۶. کرم‌های سفیدکننده، ضد آفتاب و غیره

یکی از رایج‌ترین محصولات آرایشی بهداشتی در دنیای امروز، کرم است، که شامل اقسام و انواع کرم مانند کرم ضد آفتاب، کرم ضد جوش، کرم ضد چروک، کرم سفیدکننده، کرم مرطوب‌کننده و غیره می‌شود. اصل در آرایش و زینت اباحه و جواز است، که شامل این‌گونه محصولات آرایشی بهداشتی نیز می‌شود. اما مواردی هست که استعمال کرم‌ها حکم دیگری به خود می‌گیرد که به نظر می‌رسد شایع‌ترین مورد، استعمال آن در مقابل نامحرم است. مراجع در این مورد دو نظر دارند. عده‌ای از آنها پوشاندن آن را در صورتی واجب می‌دانند که موجب مفسده‌ای باشد (آیت الله مکام شیرازی، آیت الله نوری همدانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)، اما بیشتر فقها می‌فرمایند که اگر کرم عرفاً زینت حساب شود، باید پوشانده شود. (آیت الله بهجت، آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی، آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فاضل لنکرانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)

پس در مورد کرم‌هایی مثل کرم‌های سفیدکننده که استعمال آن معمولاً موجب زیباتر شدن

پوست می شود، به نظر می رسد پوشاندن آن ضروری است، اما کرم های مرطوب کننده و مانند آن که در نظر عرف زینت حساب نمی شود و موجب تحریک مردان نمی شود، لازم نیست پوشانده شود.

۳-۷. سایر مصادیق آرایش و زینت

با توجه به مواردی که حکم آنها بیان شد، حکم دیگر مصداق های آرایش و زینت مانند لاک ناخن، رژلب، سایه ها و پودرهای آرایشی، مانیکور و پدیکور، برنزاژ پوست (سولاریوم) و میکروپیگمنتیشن نیز روشن می شود. تمامی آنها مطابق اصل اباحه فی نفسه جایز و مباح هستند، اما در مواردی مانند اینکه مستلزم کار حرامی مثل لمس و نظر نامحرم باشند یا عنوان ثانوی مثل ضرر یا مفسده به خود بگیرند، حرام خواهند بود و در صورتی که استعمال آنها عرفاً موجب زینت صورت یا دست ها شود، پوشاندن آن در مقابل نامحرم لازم خواهد بود.

۴. نتیجه گیری

آرایش و زینت در فقه امامیه احکام متنوعی دارد که می توان آنها را به دو قسم احکام اولیه و احکام ثانویه تقسیم کرد. احکام اولیه آرایش و زینت را نیز می توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد: احکام مشترک بین مردان و زنان، احکام مختص به مردان و احکام مختص به زنان. قسم دوم، احکام ثانویه هستند؛ در صورت وارد شدن عناوین ثانویه ای بر آرایش و زینت احکام ثانویه ای نیز بر آن مترتب می شود. این عناوین شامل ضرر، مفسده، اسراف، فریب، شهرت است.

مصادیق آرایش و زینت در عصر حاضر مثل جراحی زیبایی، لنز زدن، تاتو و غیره فی نفسه اشکالی ندارند، اما از جهات دیگر ممکن است دارای اشکال باشند. مثلاً اگر انجام آن موجب ضرر یا مفسده شود یا اسراف حساب شود، حرام خواهد بود و اگر زینت حساب شوند باید در مقابل نامحرم پوشانده شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
۲. اراکی، محمد علی (۱۴۱۴ ه.ق). *المسائل الواضحة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ه.ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. انصاری دزفولی، محمد امین (بی تا). *قاعدة لا ضرر و الید و الصحة (فوائد الأصول)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. انصاری دزفولی، محمد امین (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب المكاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. بحرانی، احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. بنی فضل، سیف بن علی (بی تا). *مدارک تحریر الوسيلة*. بی جا: بی نا.

۸. بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸ه.ق). *استفتائات*. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
۹. تبریزی، جواد بن علی (بی تا). *استفتائات جدید*. قم: بی نا.
۱۰. تبریزی، جواد بن علی (بی تا). *صراط النجاة*. بی جا: بی نا.
۱۱. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ه.ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ه.ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد (۱۴۲۴ه.ق). *أجوبة الاستفتائات (فارسی)*. قم: بی نا.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد (۱۴۲۰ه.ق). *أجوبة الاستفتائات (عربی)*. بیروت: الدار الإسلامية.
۱۵. خمینی بنی هاشمی، محمد حسن (۱۳۸۳ه.ش). *توضیح المسائل مراجع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. خمینی، روح الله موسوی (۱۴۲۴ه.ق). *توضیح المسائل*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ه.ق). *مهذب الأحكام*. قم: مؤسسه المنار.
۱۹. سیستانی، علی (۱۴۱۶ه.ق). *الفتاوی المیسرة*. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۲۰. سیستانی، علی (۱۴۲۲ه.ق). *المسائل المنتخبة*. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۲۱. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷ه.ق). *دلیل تحریر الوسيلة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیهم السلام.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۷ه.ق). *جامع الأحكام*. قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۲۳. صدر، محمد باقر (۱۴۲۰ه.ق). *دروس فی علم الاصول*. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۲۴. طباطبایی حائری، علی بن محمد (۱۴۱۸ه.ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۵. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۹ه.ق). *العروة الوثقی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ه.ق). *مجمع البحرین*. تهران: انتشارات مرتضوی.
۲۷. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ه.ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: کتاب فروشی داوری.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ه.ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ه.ق). *الکافی*. قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات زرین.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ه.ق). *استفتائات جدید*. قم: انتشارات مدرسه امام علی علیهم السلام.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ه.ق). *بحوث فقهیه هامة*. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی علیهم السلام.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ه.ق). *احکام بانوان*. قم: انتشارات مدرسه امام علی علیهم السلام.
۳۴. موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۶ه.ق). *رساله توضیح المسائل*. قم: بی نا.
۳۵. موسوی گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ه.ق). *إرشاد السائل*. بیروت: دار الصفوة.
۳۶. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ه.ق). *صراط النجاة*. قم: مکتب نشر المنتخب.
۳۷. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ه.ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۳۸. نجفی، محمد حسن (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ه.ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام (۱۳۸۹). *جامعة الزهراء علیها السلام*.
۴۱. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ه.ق). *توضیح المسائل*. قم: مدرسه امام باقر علیهم السلام.